

بررسی تطوّر تاریخی گفتمان جنگ در انقلاب اسلامی

بر اساس الگوی نورمن فرکلاف

فاطمه دسترنج^۱، علی حسن بیگی^۲، سید محمد حسن هاشمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۱

چکیده:

از جمله مفاهیم مهم در ادبیات سیاسی و اجتماعی جوامع، مفهوم جنگ است. بازخوانی نظرات شاخصی که در خط دهی به سیاست‌های کلی جامعه تأثیرگذار است می‌تواند به تعریف کاملتری از پدیده مورد نظر منتهی شده و چشم انداز سیاسی و اجتماعی جوامع را با دقت بیشتری تبیین نماید. در نوشتار حاضر با پرداختن به مفهوم جنگ در گفتمان انقلاب با روش توصیفی تحلیلی و بر اساس الگوی سه سطحی فرکلاف مشخص شد که وقوع انقلاب اسلامی به باز تعریف ساختارهای مفهومی و ارزشی تازه‌ای منجر شد و برخی از حوزه‌های معنایی را در مناسبات جهانی قدرت را تغییر داد. محوریت نظام و ساختار تازه‌ای که در ایران رقم خورد، تشکیل حکومت دینی است. این امر سبب بروز تحولات بنیادین از جمله به وجود آمدن یک رقیب ایدئولوژیک در سطح مناسبات جهانی قدرت شد. با به وجود آمدن چنین شرایطی، نظام‌های سیاسی-اجتماعی و ساختارهای قدرت باز تعریف شده و صورتی جدید می‌یابند. قدرت‌های موجود که گفتمان تازه را بر نمی‌تابند برای حفظ وضع موجود و تثبیت قدرت، به مقابله با آن برخاسته و در این مسیر صورت‌های گوناگون اعمال قدرت را می‌آزمایند. در این سیر تطوّر تاریخی شیوه منازعه و مقابله در ساختار قدرت از جنگ سخت و نظامی به تهاجم فرهنگی، شیخون فرهنگی، غارت فرهنگی، قتل عام فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم فرهنگی می‌انجامد که در زمان حاضر با مجموعه‌ای از انواع روش‌های اعمال قدرت مواجه هستیم که در نهایت به شیوه جنگ ترکیبی می‌انجامد. غیرت سازی، دشمن شناسی و اقتدار از جمله دال‌های مرکزی گفتمان جنگ است و مفاهیم دفاع، جهاد، مبارزه، بصیرت و مقاومت مفاهیمی هستند که در تکمیل این شبکه گفتمانی دخیل هستند.

واژگان اصلی:

تحلیل گفتمان، جنگ نرم، جنگ ترکیبی، دشمن شناسی، فرکلاف، تطوّر تاریخی.

^۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)

F-dastranj@araku.ac.ir

^۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران

^۳. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک، اراک، ایران

۱. مقدمه

بخشی از گفتمان هر ملت و جامعه‌ای با واژگان جنگ، ستیزه، نبرد، منازعه و غیره گره خورده است. به هر روی جامعه‌ای که زنده و پویا است اگر خود شروع کننده نبرد و منازعه‌ای نیز نباشد به دلیل این که ممکن است منافع دیگری را به مخاطره بیندازد، مورد هجوم قرار خواهد گرفت. از این رو بخشی از ادبیات سیاسی جوامع به مفهوم جنگ و فلسفه جنگ اختصاص می‌یابد. تعیین خط مشی‌های کلی پیرامون این مفهوم و موضع‌گیری رسمی درباره آن بر عهده استراتژیست‌ها و رهبران جوامع است. در ادبیات دینی و سیاسی ما نیز مفهوم عربی جهاد و نیز مفهوم جنگ جایگاه ویژه‌ای دارد. بازخوانی نظرات انسان‌های شاخصی که در خط دهمی به سیاست‌های کلی جامعه تأثیرگذار هستند می‌تواند در این زمینه راه گشا باشد. تا بتوان از این طریق به تعریف کاملتری از پدیده مورد نظر دست یافت و چشم انداز پیش رو با دقت بیشتری تبیین نمود. در همین راستا در پژوهش حاضر به بازخوانی نظرات امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای به عنوان رهبران انقلاب اسلامی و پرچم دار گفتمان انقلاب اسلامی در باب مفهوم جنگ و سیر تطور تاریخی این گفتمان خواهیم پرداخت. برای حصول به نتیجه بهتر و انجام مطالعه‌ای روشمند، از رویکردهای زبان‌شناسانه بهره گرفته می‌شود. یکی از رویکردهای کاربردی زبان شناسانه در برخورد با متون، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است. خوانش دوباره مفهوم جنگ در پس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی می‌تواند زوایای جدیدی را در درک گفتمان جنگ آشکار نماید؛ چرا که با واکاوی متن در یک فرآیند مشخص و روشمند، امکان یافتن زوایای پنهان آن فراهم می‌آید. نورمن فرکلاف در رویکرد خود علاوه بر اهمیت دادن به سطح زبانی و درونی به لایه بیرونی که متن در آن شکل گرفته است نیز توجه می‌نماید و از این رو کارکردهای اجتماعی را نیز در سطح بالاتری برای تحلیل گفتمان در نظر می‌گیرد. در این رویکرد به چگونگی و چرایی تولید گفتمان پرداخته می‌شود و زمینه‌های ایدئولوژیکی و ساخت‌های قدرت که در تولید گفتمان شریک هستند، در تحلیل گفتمان، تبیین می‌شوند. از نظر فرکلاف پدیده‌های زبان‌شناختی از میان ساختارهای اجتماعی بروز می‌یابند. در این نگاه گفتمان مجموعه‌ای از عوامل زبانی و فرا زبانی است که در آن به مثابه نشانه‌های گفتمانی، مفاهیمی با بار ایدئولوژیک وجود دارند. (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۲۶). تحلیل گفتمان انتقادی با بررسی زبان‌شناسانه نشانه‌ها و دال‌های مرکزی

گفتمان در تلاش است تا به مفهوم ایدئولوژیکی نزدیک شود که در پس گفتمان مورد نظر مطرح است. این امر منجر به بازیابی و یا بازسازی روابط اجتماعی خواهد شد. برای وصول به نتیجه می‌بایست روابط متقابل زبان و جامعه واکاوی شود؛ جامعه‌ای است که بستر شکل‌گیری گفتمان به شمار می‌آید. از این رو تحلیل گفتمان انتقادی در پی آن است که با واکاوی این روابط بر اساس ملاک‌های درونی و بیرونی متن، به این مهم دست یابد. این آشکارسازی با بازخوانی روابط سلطه و قدرت، مشخص کردن ایدئولوژی‌های حاکم و غالب، عنایت به پیش‌فرض‌های مفهومی، بافت موقعیتی و سایر عناصر زبانی و غیر زبانی صورت می‌گیرد تا با توجه به این عناصر زوایای پنهان گفتمان کشف و بازگو شود. از این رو یکی از مهم‌ترین اهداف تحلیل گفتمان، شرح دادن فهم‌ها و موقعیت‌های بدیهی است تا از این طریق آنها را به موضوع بحث و نقد برساند و سرانجام، آنها را برای تعبیر وضع موجود آماده نماید. چنین تشریحی کمک می‌کند تا تعین‌ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان را که از دید مشارکین گفتمانی و مخاطبان گفتمان مخفی مانده است، آشکار شود (همان، ۲۷). در این میان فرکلاف، روش خود را بر محور سه سطحی توصیف، تفسیر و تبیین قرار می‌دهد. بازخوانی تحلیل گفتمان جنگ با عنایت به عوامل زبانی و فرا زبانی به ما در درک این مفهوم کمک خواهد نمود. عمده بیانات ایشان که در پژوهش حاضر برای تبیین گفتمان جنگ مورد مطالعه قرار گرفته است، بیاناتی است که ایشان شفاهاً در جلسات عمومی ایراد نموده‌اند و سپس به صورت مکتوب در آمده‌اند. در نوشتار حاضر با پرداختن به مفهوم جنگ بر اساس الگوی سه سطحی فرکلاف سعی داریم تا روشن نماییم که دال مرکزی گفتمان جنگ در بستر انقلاب اسلامی چیست و این گفتمان در چه بافت موقعیتی ظهور و بروز یافته است. در این بررسی تاریخی تلاش می‌شود تا روشن گردد که روند تطور این گفتمان چه خط سیری را طی کرده است. همچنین بررسی می‌شود که آیا این مفهوم تأثیری در تنظیم و یا باز تعریف نظام‌های اجتماعی جامعه هدف داشته است و آیا می‌توان در تحلیل گفتمان این مفهوم به دنبال بار نهفته ایدئولوژیکی بود که قادر باشد، مشارکین گفتمانی را وارد شرایط تازه‌ای از مناسبات قدرت نماید؟

پیشینه پژوهش

مفهوم جنگ و بیش از آن مفهوم جنگ نرم در سال‌های اخیر موضوع مطالعه و پژوهش‌های متعددی قرار گرفته است. با این حال در این بخش به ذکر چند نمونه از پژوهش‌هایی پرداخته می‌شود که از حیث موضوع به پژوهش حاضر نزدیکتر باشند. ذکر این نکته لازم است که مطالعات مطرح شده از منظر روش با پژوهش حاضر تفاوت دارند.

مقاله «شناخت‌شناسی جنگ نرم از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی» تلاشی است در جهت شناخت چستی و چگونگی شکل‌گیری اهداف و ویژگی‌های جنگ نرم از منظر مقام معظم رهبری. در این مقاله نامحسوس بودن، تدریجی بودن، آرام بودن، ابهام آمیز بودن و غیره از ویژگی‌های جنگ نرم برشمرده شده است. در بخش انتهایی مقاله نیز نویسنده تلاش کرده تا راهکارهای مقابله با جنگ نرم را در آرا و بیانات مقام معظم رهبری تبیین نماید.

نویسنده مقاله «جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله؛ با تأکید بر فرمایشات مقام معظم رهبری» با تأکید بر حرکت دشمن از جنگ سخت به سمت جنگ نرم، تلاش دارد تا ابعاد تهدیدات و گستره جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی را تبیین نماید. با توجه به بررسی ایشان بارزترین شکل جنگ نرم، جنگ رسانه‌ای است که نیاز است تا آگاهی‌سازی لازم از طریق مدارس و دانشگاه‌ها و نیز برای عموم مردم صورت گیرد تا بتوان هجمه‌های فرهنگی در جنگ نرم را خنثی نمود.

نویسندگان مقاله «جنگ نرم، مؤلفه‌ها و شاخصه‌های فرهنگی» هدف پژوهش خود را تبیین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های جنگ نرم آمریکا در بعد فرهنگی علیه ایران قرار داده‌اند. در این پژوهش با بهره‌گیری از یافته‌های برخی از پژوهشگران و به ویژه نکات مطرح شده در بیانات مقام معظم رهبری، مهم‌ترین شاخص‌های جنگ نرم در ابعاد سه‌گانه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معرفی شده و تلاش شده تا در چارچوب الگو به معرفی مؤلفه‌ها و شاخص‌های جنگ نرم فرهنگی پرداخته شود.

پایان نامه «تحلیل محتوای دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در زمینه نبرد نرم» در صدد پاسخ به این پرسش است که مضامین موجود در سخنان آیت الله خامنه‌ای در رابطه با موضوع نبرد نرم در جمع اصحاب رسانه چیست؟ نگارنده با استفاده از نرم افزار مکس کیوا^۱ مضامین موجود را تحت عناوینی چون

1. Max QAD

بازشناسی جنگ نرم، اهداف، آسیب‌ها و شیوه‌های جنگ نرم دشمنان، ظرفیت‌های رسانه در جنگ نرم، نظام جمهوری اسلامی و جنگ نرم، رسانه ملی و جنگ نرم تحلیل نموده است و نتایج پژوهش را بیان کرده است.

در مجموع و با عنایت به نتایج حاصله در پژوهش‌های صورت گرفته، در نوشته حاضر با نگاه به تحلیل گفتمان انتقادی به عنوان روشی برای خوانش متن به مثابه گفتمان به واکاوی تطور تاریخی گفتمان جنگ در انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت. به طور خاص در این پژوهش از نظرات نورمن فرکلاف و سطح‌بندی سه گانه او (توصیف-تفسیر-تبیین) در تحلیل گفتمان، بهره گرفته می‌شود.

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

گفتمان^۱ فرآیند تولید معنا است. در این فرآیند معنایی که توسط گفته‌پرداز^۲ تولید شده، در سوی دیگر ماجرا، توسط گفته‌یاب^۳ درک و دریافت می‌شود. تحلیل گفته^۴ و یا گفتمان صورت گرفته متأثر از عوامل سطح زبانی و فرا زبانی است. از تحلیل گفتمان می‌توان به مثابه ابزاری برای فهم محتوا و ساختار گفته تولید شده استفاده کرد (کوبلی، ۱۳۸۷، ج: ۳، ۶۰۰). در این روش در سطح فرا زبانی از تحلیل گفتمان برای کشف و تبیین ارتباط متن با کارکردهای فکری و اجتماعی بهره می‌گیرند (یار محمدی، ۱۳۸۳، ۱۴۳). یکی از روش‌های برخورد با گفتمان، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف است. فرکلاف در رویکرد خود میان علوم اجتماعی و زبان‌شناسی ارتباط برقرار می‌کند. یعنی محدوده تحلیل گفتمان را در سطح جامعه، تاریخ و ایدئولوژی موسع می‌بیند. فرکلاف اعتقاد دارد که آنچه در تحلیل گفتمان مغفول مانده است، بازنمایی ایدئولوژیکی است. به این معنا که در مواردی در اثر «طبیعی شدگی» گفتمان، ایدئولوژی‌ها به عدم شفافیت نیل می‌کنند و از این رو دیگر به آنها به عنوان ایدئولوژی نگاه نمی‌شود و از این رو بازنمایی ایدئولوژیکی در تحلیل گفتمان انتقادی مغفول می‌ماند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۵۰). البته برای رسیدن به این سطح از تحلیل گفتمان باید از دو سطح توصیف و تفسیر عبور کرد. از این رو در تحلیل گفتمانی انتقادی فرکلاف سه سطح مد نظر قرار گرفته است.

1. Discourse
2. enunciator
3. enunciate
4. utterance

سطح توصیف که در آن ساخت‌شناسی و معناشناسی در سطح واژگانی و تا حدودی کاربردشناسی زبان مورد توجه قرار می‌گیرد. در سطح تفسیر با عنایت به بافت موقعیت و عوامل بینامتنی، تحلیل گفتمان پیش می‌رود. در نهایت در سطح سوم، به توضیح تولید چنین متنی پرداخته می‌شود که در واقع همان تبیین است. در این سطح متن در ارتباط با عوامل تاریخی، جامعه‌شناختی، ایدئولوژیک و زمینه اجتماعی دانش‌ها و فرهنگ‌های جاری، تبیین می‌شود (Fairclough, 2001, 91-117). بنابراین رویکرد فرکلاف در تحلیل گفتمان، از جمله روش‌های کیفی است که گفتمان را در سه لایه متن، بافت موقعیت و بافت اجتماعی و ایدئولوژیک، پردازش می‌کند. از نظر فرکلاف زبان بخشی از جامعه است. به این معنی که پدیده‌های زبانی، پدیده‌هایی اجتماعی هستند و از آن سو، پدیده‌های اجتماعی نیز تا حدودی، پدیده‌های زبانی محسوب می‌شوند، یعنی همه پدیده‌های زبان‌شناختی، پدیده اجتماعی نیستند (Ibid, 22). این تلقی به این معناست که به کارگیری زبان توسط افراد در جامعه، تحت تأثیر جامعه و شرایط اجتماعی است و در محیط‌های کوچکتر مانند خانواده نیز باز هم به کارگیری زبان نشأت گرفته از قراردادهای اجتماعی است.

مفهوم جنگ در ادبیات گفتاری انقلاب اسلامی

جنگ بر مبنای شدت آن به منازعات کم شدت، شدید و تمام عیار صورت‌بندی می‌شود. از نظر به کارگیری سلاح نیز به جنگ سرد و گرم تفکیک می‌شود. همچنین از حیث علنی و مخفی بودن به جنگ آشکار، نیمه پنهان و پنهان، تقسیم می‌شود. جنگ‌ها از حیث موضوع نیز به جنگ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره قابل تقسیم هستند. عنصر محوری در این تقسیم‌بندی‌ها و تعریفی که از جنگ می‌شود، مسئله قدرت و نحوه اعمال قدرت است. در اعمال قدرت در واقع طرف قدرتمند اراده خود را به طرف مقابل تحمیل می‌نماید. در سال ۱۹۹۰ میلادی ژوزف نای^۱ بر مبنای نوع توان تحمیل اراده، تفکیک دیگری از قدرت ارائه داد که به قدرت سخت و قدرت نرم معروف شد و متعاقب آن جنگ نرم و جنگ سخت در ادبیات سیاسی و اجتماعی مطرح شد. در دایره

1 . Joseph Nye

گفتمانی انقلاب نیز می‌توان مفاهیم جنگ سخت و نظامی، جنگ نرم، جنگ ترکیبی، تهاجم فرهنگی و جهاد و مجاهدت را مشاهده نمود. ایشان اعتقاد دارند که با وقوع انقلاب اسلامی «دولت‌های قوی، قدرت‌های توانا، جریان‌های بسیار مؤثر همه در مقابل نظام جمهوری اسلامی صف‌آرایی کردند، توانایی‌های خودشان را آزمودند، ضربه‌های خودشان را زدند؛ یک مبارزه‌ای شروع شد؛ مبارزات سخت و مبارزات نیمه‌سخت و مبارزات نرم» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - ۱۳۹۶/۰۳/۱۷).

جمهوری اسلامی ایران تجربه متفاوتی از جنگ، تحریم، اغتشاش و غیره را در حوزه جنگ سخت از سر گذرانده است و در شرایط کنونی آن چه اولویت دارد و از اهمیت بیشتری برخوردار است، حوزه جنگ نرم است (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث - ۱۳۹۹/۱۲/۲۱) و یک سطح بالاتر از جنگ نرم، پدیده جنگ ترکیبی موضوعیت دارد. «امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های گوناگون و جنگ شناختی و امثال اینها با همدیگر مایه تهاجم به یک ملت یا یک کشور است. بازی‌های جنگ بایستی بتواند همه این لایه‌ها را با شیوه‌های نو، با شیوه‌های روزآمد، ان‌شاءالله تأمین کند» (بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح - ۱۴۰۱/۰۷/۱۱).

موضوع اصلی در جنگ هم بر سر مفهوم قدرت است. «هدف جنگ نرم این است که مؤلفه‌های قدرت را از یک کشوری بگیرد و سلب کند؛ از نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران مؤلفه‌های قدرت را بگیرد و او را تبدیل کند به یک ملت ضعیف، به یک ملت زبون، به یک ملت تسلیم‌پذیر» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش - ۱۳۹۴/۱۱/۱۹).

نخستین سطح بررسی در تحلیل گفتمان انتقادی، سطح زبانی است. در این سطح لایه‌ها و ویژگی‌های ظاهری متن در قالب بررسی مفردات، جملات و ساختار آن مورد توجه قرار می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۷۲). برای رسیدن به این منظور باید به پرسش‌هایی در مواجهه با متن پاسخ گفت تا ارتباط میان واژگان و بافت زبانی آن در نسبت با معنای متن آشکار شود. فرکلاف در این سطح سه حوزه واژگان، دستور و ساخت‌های متنی را در نظر می‌گیرد و در هر بخش با بیان پرسش‌هایی در صدد توصیف متن بر می‌آید (همان، ۱۷۰-۱۷۱).

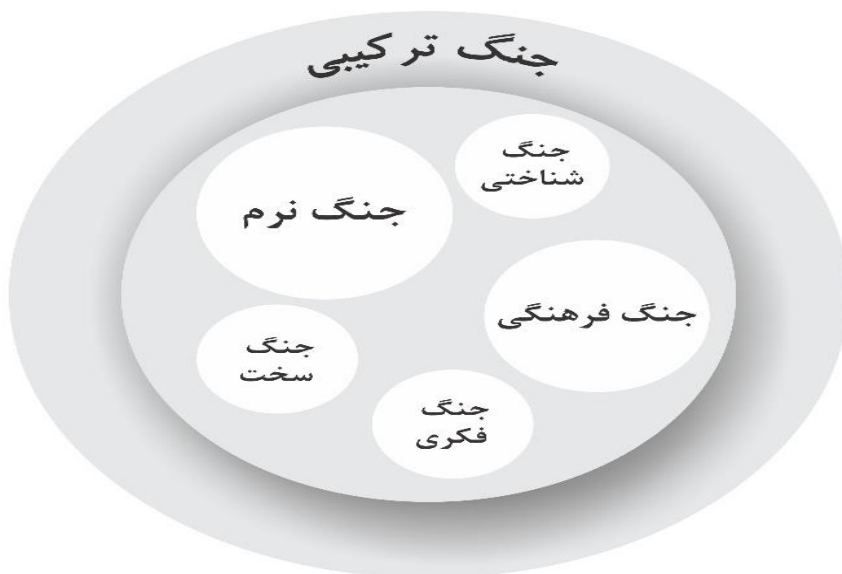
در این بخش به ارزش‌های تجربی کلمات، روابط معنایی، استعاره‌های به کار رفته در متن و غیره

پرداخته می‌شود.

❖ ارزش‌های تجربی‌ای، رابطه‌ای و بیانی

فرکلاف ویژگی‌های صوری را دارای سه ارزش تجربی، رابطه‌ای و بیانی می‌داند. ارزش‌های تجربی در واقع همان بازنمایی جهان طبیعی از دید تولیدکننده متن است که اثرات ساختی آن در دانش و اعتقادات بروز می‌یابد. در کشف و بازنمایی ارزش‌های تجربی در بیان آیت الله خامنه‌ای در حوزه گفت‌وگو، به طور کلی با دو حوزه جنگ نرم و جنگ سخت رو به رو هستیم. در جنگ سخت نوع مواجهه به صورت جنگ، کودتا، شورش نمایان می‌شود (بیانات در دیدار جمع‌کنی از بسیجیان کشور- ۱۳۸۷/۰۹/۰۴) که همه به نوعی با اسباب و تجهیزات نظامی همراه هستند. از این رو جنگ سخت، جنگ نظامی و درگیری فیزیکی میان سربازان و نظامیان مهاجم و جبهه مقابل است که با اهدافی همچون تغییر حکومت و نظام سیاسی و تعیین حاکم و نظام سیاسی جدید صورت می‌گیرد (حسین شریفی، ۱۳۹۰، ۲۴). این نوع از تهاجم نظامی شیوه‌ای است که در سال‌های اولیه انقلاب صورت می‌گرفته، اما امروز دیگر آن مواجهه سخت مد نظر نیست بلکه اولویت جبهه استکبار جنگ نرم است (بیانات در دیدار جمع‌کنی از بسیجیان کشور- ۱۳۸۷/۰۹/۰۴). «جنگ نرم، مجموعه اقدام‌های عمدی و طرح ریزی شده با بهره‌گیری از قدرت نرم از طریق دگرگونی هویت فرهنگی (تغییر باورها، اعتقادات، افکار و ارزش‌های پایه) و ناکارآمدسازی الگوی سیاسی نظام مورد هدف است که موجبات فروپاشی از درون و تغییر نظام سیاسی را فراهم می‌سازد» (نائینی، ۱۳۹۱، ۷۶). از این رو با توجه به تأکیدات آیت الله خامنه‌ای با ارزش تجربی جدیدی در گفت‌وگو جنگ به نام جنگ نرم، ذیل مفهوم قدرت نرم مواجه هستیم. در این گفت‌وگو «جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم» (بیانات در دیدار جمع‌کنی از بسیجیان کشور- ۱۳۸۷/۰۹/۰۴). همان گونه که در جنگ سخت تصرف سرزمین مدنظر است، در جنگ نرم نیز تصرفی از جنس تصرف قلب و ذهن مردم مورد هدف قرار می‌گیرد. این تصرف از طریق ایجاد تشکیک و تردید در باورها صورت می‌پذیرد. از دیگر عناصر گفت‌وگو که ارزش تجربی جدیدی به شمار می‌آید و در تکمیل گفت‌وگو جنگ به کار می‌آید، مفهوم «جنگ ترکیبی» است. از نظر ایشان «امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های

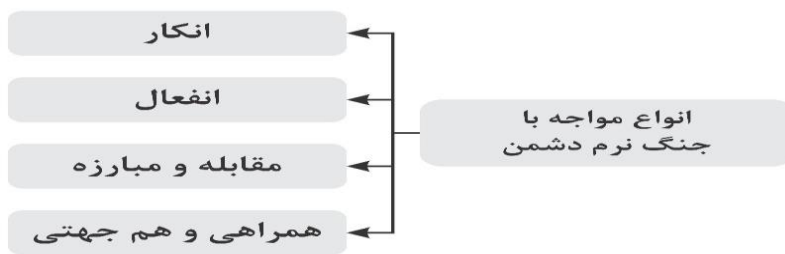
گوناگون و جنگ شناختی و امثال اینها با همدیگر مایه تهاجم به یک ملت یا یک کشور است. بازی‌های جنگ بایستی بتواند همه این لایه‌ها را با شیوه‌های نو، با شیوه‌های روزآمد، ان‌شاءالله تأمین کند» (بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح- ۱۴۰۱/۰۷/۱۱). از این رو شیوه جدیدی از جنگ بروز و ظهور دارد که شیوه‌های پیشین را نیز در بر می‌گیرد. در جنگ ترکیبی طرف مقابل با تمام قوا به میدان می‌آید. «از امپراتوری رسانه‌ای و شیوه‌های جنگ نرم، تا جنگ‌افروزی و شعله‌ور ساختن جنگ‌های نیابتی، تا وسوسه‌گری و خبرچینی سیاسی، و تا تهدید و تطمیع و رشوه .. همه و همه از سوی آمریکا و دیگر مستکبران به کار گرفته می‌شود تا دنیای اسلام را از مسیر بیداری و سعادت خود جدا کنند» (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام- ۱۴۰۱/۰۴/۱۷).



نمودار ۱- ارزش‌های تجربی گفتمان جنگ.

ویژگی دیگری که فرکلاف در این سطح به آن می‌پردازد، ارزش‌های رابطه‌ای است که بر روابط اجتماعی که در گفتمان به اجرا در می‌آید تأکید می‌کند. با توجه به مفهوم جنگ و ساز و کارهای آن

رابطه‌ای مطرح است که میان دو گروه برقرار می‌شود. این رابطه از نوع رابطه تهاجمی و دشمن گونه است. از این رو یک وجه اصلی از گفتمان جنگ در بیان آیت الله خامنه‌ای، دشمن شناسی است. البته برخی این دشمنی را نادیده می‌گیرند؛ «جنگ نرم همه‌جانبه دشمن، امروز قابل انکار نیست. با این حال، برخی آن را انکار می‌کنند و این خود نیز بخشی از جنگ نرم است» (یادداشت رهبر انقلاب پس از دیدار با جمعی از برنامه‌سازان صداوسیما- ۱۳۹۷/۰۸/۲۵). در مقابل گروهی که منکر وجود دشمن و جنگ نرم هستند؛ گروهی هستند که با دشمن همراهی می‌کنند. چنین کسانی مسئولیت ناپذیر و دشمن شیفته هستند (یادداشت رهبر انقلاب پس از دیدار با جمعی از برنامه‌سازان صداوسیما- ۱۳۹۷/۰۸/۲۵). در حالی که شایسته‌ترین رویکرد در این شرایط آگاه بودن به وضعیت موجود و آمادگی برای جنگ است. از این رو است که «جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه‌ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده‌ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسائی بکنید؛ هدف‌های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه‌های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه‌های مختلف، فرماندهان بالا این نقش‌ها را ایفا می‌کنند» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها- ۱۳۸۷/۰۶/۰۸). بنابراین در مواجهه با دشمن و در جنگ نرم و جنگ ترکیبی پیش رو، می‌توان اقسام ارزش‌های رابطه‌ای را مشاهده کرد که در نمودار زیر آمده است. این روابط به نسبت مواجهه مخاطب با شرایط شکل می‌گیرد.



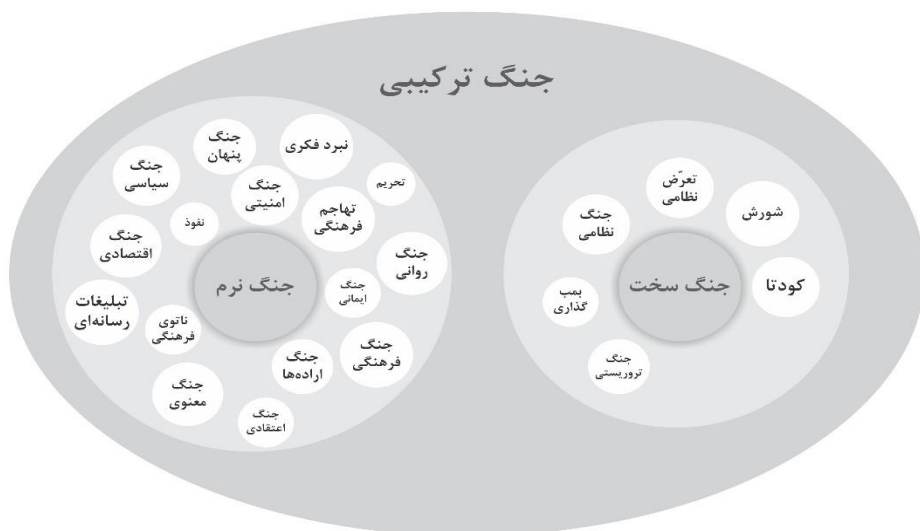
نمودار ۲- ارزش‌های رابطه‌ای در نسبت مواجهه با جنگ نرم.

در ارزش‌های بیانی گوینده ارزیابی‌های خود را از مناسبات پیرامون بیان می‌کند که نسبتاً نظام‌های ارزشیابی تلقی می‌شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۶۴). آیت الله خامنه‌ای به طور مشخص و با صراحت

کلام این نظام‌های ارزشی را مطرح می‌کند. «جمهوری اسلامی امروز طرف یک مبارزه وسیع و عظیمی در سطح جهانی است؛ یک مبارزه جدّی که یک طرف آن، نظام جمهوری اسلامی است، یک طرف جبهه کفر و ظلم و استکبار است... یکی از زاویه‌های دید ما نسبت به موقعیت کشور، به این قضیه بر می‌گردد که بدانیم جمهوری اسلامی درگیر یک چنین نبرد سیاسی، نبرد فکری، نبرد نرم و جنگ نرم و احیاناً برخوردهای سخت با جبهه وسیع ظلم و کفر و استکبار است» (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکلهای دانشجویی - ۱۳۹۹/۰۲/۲). از این رو ایشان هم خود به این نظام ارزشی معتقد هستند و هم با جبهه‌بندی که ارائه می‌دهند، مخاطب گفتمان را نیز به خوانشی جدید از مناسبات موجود سوق می‌دهند و زاویه دید او را به سویی تنظیم می‌کند که خود را یک طرف از رویارویی وسیع و عظیمی بداند که در جریان است. این نظام ارزشی به واسطه هویتی که از طریق وقوع انقلاب اسلامی حاصل شده است، ترسیم می‌شود. «این انقلاب توانست به ما، هم هویت بدهد، هم آرمان بدهد؛ فهمیدیم که ما مغلوب و هضم‌شده در هاضمه سیاست جهانی و نظام سلطه نیستیم؛ ما هستیم، ما خودمانیم؛ هویت و آرمان» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان - ۱۳۹۶/۰۳/۱۷).

❖ روابط معنایی

فرکلاف در بررسی روابط معنایی به سه حوزه شمول معنایی، تضاد معنایی و هم معنایی می‌پردازد. توجه به این روابط معنایی فرآیند فهم متن در سطح توصیف را تسهیل می‌کند. وقتی یک مفهوم، چند مفهوم دیگر را شامل می‌شود، با شمول معنایی مواجه هستیم (Saeed, 2013: 68). با توجه به مجموعه بیانات آیت الله خامنه‌ای می‌توان مفاهیمی را در نظر داشت که در کنار یکدیگر شبکه معنایی گفتمان جنگ را شکل می‌دهند. از این رو در این شمول معنایی می‌توان به رابطه همنشینی مفاهیم نیز توجه داشت. در رابطه همنشینی پیوند زنجیره وار عناصر و جملاتی مطرح است که بر روی یک محور افقی و در ترکیب با هم، شبکه معنایی مورد نظر را کامل تر می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۰: ۲۱۲). در نوار زیر می‌توان مفاهیم استخراج شده از بیانات آیت الله خامنه‌ای را مشاهده نمود.



نمودار ۳- شمول معنایی گفتمان جنگ.

در تضاد معنایی با واژگان و عباراتی رو به رو هستیم که معانی مقابل هم دارند. مهم‌ترین تضاد معنایی در گفتمان جنگ در بیان آیت الله خامنه‌ای، تمایز قدرت نرم و قدرت سخت و به تبع آن جنگ نرم و جنگ سخت است. ایشان این دو حوزه را از یکدیگر تفکیک کرده و البته با توجه به شرایط کنونی، اولویت را به جنگ نرم می‌دهند و آن را خطرناکتر از جنگ سخت می‌دانند (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث- ۱۳۹۹/۱۲/۲۱). در تمایز جنگ سخت و نرم این نکته حائز اهمیت است که در جنگ سخت تعداد افرادی که در جنگ شرکت می‌کنند مشخص است و از این رو نیروها و تلفات نیز قابل شمارش است، اما در جنگ نرم که سطح کنش‌پذیری در سطح ایمان و ذهن و قلب عموم افراد جامعه است، محاسبه دقیق نیروهای درگیر در جنگ و نیز تعداد تلفات و غیره کار آسانی نیست. «از ویژگی‌های جنگ نرم آن است که جذابیت دارد و چون به تدریج و آرام عمل می‌کند معمولاً کنش و واکنش عمومی را به همراه ندارد و به علت این که محصول پردازش ذهنی نخبگان است، اندازه‌گیری آن مشکل است» (رنجبران، ۱۳۸۸، ۳۰-۳۵).

سایر عناصر گفتمانی که تفاوت میان جنگ نرم و جنگ سخت را تبیین می‌کند در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۱- مفاهیم متضاد در تکمیل گفتمان جنگ نرم و جنگ سخت.

جنگ نرم	جنگ سخت
تأثیرگذاری بیشتر	-
دارای راه علاج مشکل‌تر	-
خطرناک‌تر	-
عرصه وسیع‌تر	-
پرور شدن و سالم ماندن جسم‌ها و رفتن روح‌های انسانی به قعر جهنم	به خاک و خون کشیده شدن جسم‌ها و رفتن روح‌های انسانی به بهشت
انهدام سنگرهای معنوی و ایمانی	انهدام و نفوذ در مرزهای سرزمینی
نا مشخص بودن و نامرئی بودن دشمن	قابل شناسایی بودن دشمن

یکی دیگر از شبکه‌های متضادی که می‌توان در تنظیم گفتمان جنگ در ادبیات انقلاب اسلامی به آن اشاره کرد، مفاهیم «مبارزه، مقاومت و جهاد» در مقابل مفهوم «جنگ» است. اهمیت مطلب تا بدانجاست که می‌توان گفت «هدف جنگ نرم دشمن و جنگ پنهان دشمن، این است که مردم را از عرصه جهاد و مقاومت دور کند، مردم را نسبت به آرمان‌ها بی‌تفاوت کند» (بیانات در دیدار اعضای ستادهای برگزاری کنگره شهدای استان‌های کهگیلویه و بویراحمد و خراسان شمالی - ۱۳۹۵/۰۷/۰۵).

عرصه جهاد نیز در گفتمان ایشان عرصه وسیعی را در بر می‌گیرد. «مجاهدت فقط جنگ نظامی نیست؛ مجاهدت اعم است از انواع مبارزات، از مبارزات فرهنگی گرفته تا مبارزات سیاسی تا مبارزات اقتصادی» (بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی - ۱۳۹۴/۰۵/۲۶). از این رو در برابر جنگی که در جریان است، نه جای انفعال و تسلیم است و نه جای همراهی با دشمن و نه انکار. بلکه بهترین رویکرد، مبارزه و جهاد است که خود جهاد انواعی دارد که «یکی از سخت‌ترین جهادها این است که در مقابله با هجوم افکار و فرهنگ‌های غلط و انحرافی و درک غلط جمعی از مردم، انسانی که حق را می‌شناسد، بایستد و بخواهد از حق دفاع کند و با بیان، با فکر، با منطق و با سلاح زبان و قلم، ذهن‌ها را به سمت آنچه

درست است هدایت کند. این از آن جهادهای دشوار است» (دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و معلم - ۱۳۷۲/۰۲/۱۵).

هم معنایی نیز یکی از انواع روابط معنایی است که بین دو مفهوم با مؤلفه معنایی مشترک که یکدیگر را تأیید و تقویت می‌کنند وجود دارد (صفوی، ۱۳۹۱: ۶۸). البته باید مد نظر داشت که هیچ دو واژه‌ای دقیقاً هم معنا و دارای یک معنا نیستند، بلکه از جهات گوناگون تمایزاتی با هم دارند (پالمر، ۱۳۹۱: ۱۰۶). در بیان آیت الله خامنه‌ای در کنار مفهوم جنگ می‌توان مفاهیم نبرد و تهاجم نیز را مشاهده کرد. ایشان هم از تعبیر جنگ نرم و هم از تعابیر «تهاجم فرهنگی»، «شیخون فرهنگی» و «ناتوی فرهنگی» بهره می‌برند. این عبارات برای بیان سطوح مختلف منازعه و نبرد است که از صورت یک شیخون به یک جنگ تمام عیار می‌رسد. از این رو با مفاهیمی رو به رو هستیم که در یک دایره معنایی هستند، اما سطوح مختلف درگیری را بیان می‌کنند.

❖ استعاره

در روش فرکلاف، استعاره وسیله‌ای برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه بر حسب جنبه‌ای دیگر از آن است (Fairclough, 2001, 119). آیت الله خامنه‌ای در بیانات خویش از استعاره و تمثیل برای بیان بهتر مفاهیم و روشن شدن مقصود مورد نظر استفاده می‌کنند. از این رو استفاده ایشان از زبان استعاری و تمثیلی برای آسان کردن فهم گفتمان است و نه برای پیچیده کردن و مبهم کردن آن و یا صرفاً تأکید بر ساخت ادبی گفتمان. چرا که مخاطب ایشان طیف گسترده‌ای از گفته‌یابان را در بر می‌گیرد که از سطح خواص تا سطح عوام را پوشش می‌دهد و هنر گفتمانی ایشان، همراه کردن طیف وسیعی از گفته‌یابان است. به عنوان مثال ایشان برای ذکر اهمیت عنصر «بصیرت» در شرایط فتنه و غبار آلودی که در جنگ نرم به وجود می‌آید، شرایط را این گونه تصویر می‌کنند: «ملتی که بصیرت دارد، مجموعه جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم بر می‌دارند، همه تیغ‌های دشمن در مقابل آنها کند می‌شود، بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلود فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند. آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم بر می‌دارد. شما در جبهه جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید؛

راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود، این قطب‌نما همان بصیرت است» (بیانات در دیدار عمومی با مردم چالوس و بوشهر - ۱۳۸۸/۰۷/۱۵). به بیان دیگر می‌توان گفت که قطب‌نمای جنگ نرم، همان مفهوم بصیرت است. همچنین در بیان دیگری ایشان به مفهوم مقاومت اشاره می‌کنند و برای تشویق کسانی که در مبارزه و نبرد حضور دارند، از تمثیل کوهستان بهره می‌برند؛ «فرض کنید یک وقت در یک جاده‌ای انسان به مسیلی برخورد می‌کند، به یک حفره‌ای برخورد می‌کند یا در حرکت در کوهستان که می‌خواهد مثلاً به فلان قله برسد، به یک صخره‌ای برخورد می‌کند. بعضی‌ها وقتی که برخورد می‌کنند به این صخره یا به این مانع یا به این دزد یا به این گرگ، بر می‌گردند، از ادامه راه منصرف می‌شوند؛ بعضی نه نگاه می‌کنند ببینند راه دور زودن این صخره چیست، راه مقابل با این مانع کدام است، آن راه را پیدا می‌کنند یا مانع را بر میدارند یا با شیوه عاقلانه از مانع عبور می‌کنند؛ مقاومت یعنی این» (بیانات در مراسم سی‌امین سالگرد رحلت امام خمینی - ۱۳۹۷/۰۳/۱۴). از این رو آیت الله خامنه‌ای در مواقع لزوم از بیان تمثیلی و کنایی برای رساندن مقصود خود بهره برده‌اند.

در این سطح از تحلیل گفتمان به گزاره‌هایی چون مشارکین گفتمانی، معلوم و مجهول بودن جملات، برجسته‌سازی و وجهیت پرداخته می‌شود.

❖ کنشگران و کنش‌پذیران

جنگ مفهومی است که خود مشخصاً از صف آرایسی دو گروه و دو جبهه در برابر یکدیگر خبر می‌دهد. در ادبیات انقلاب اسلامی، کنشگران، همان جبهه استکبار و ظلم هستند که از تمام توان و قوا و از جمیع جهات به جنگ برخاسته‌اند. «یک حرکت همه جانبه متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته علمی رسانه‌ای» (بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی - ۱۳۸۷/۰۶/۰۴). در مقابل این جبهه جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. کنش‌پذیران در این جبهه در واقع دل، ذهن، مغز و اراده افراد جامعه است (بیانات در دیدار دانشجویان - ۱۳۹۱/۰۵/۱۶). اما نکته مهم این است که کنش‌پذیران جنگ منفعل نیستند. بلکه با تعریف دقیقی که از جنگ و دشمن ارائه می‌شود، باید جبهه مقابله و مقاومت شکل بگیرد. از این رو آیت الله خامنه‌ای به طور واضح این پرسش را مطرح می‌کنند که در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیابند؟ و سپس پاسخ می‌دهند که کسانی که باید وارد میدان شوند «نخبگان فکری‌اند. یعنی شما افسران جوان جبهه مقابله با جنگ

نرمید» هدف این کنشگران نیز دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی ایران است (بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی - ۱۳۸۷/۰۶/۰۴). به طور کلی «در جنگ نرم، هنرمندان و اهالی فکر و نظر، در حکم نیروهای مسلح در جنگ سختند» (یادداشت رهبر انقلاب پس از دیدار با جمعی از برنامه‌سازان صداوسیما - ۱۳۹۷/۰۸/۲۵). بنابراین مشارکین گفتمانی در بیان آیت الله خامنه‌ای در جنگ نرم، رابطه تقابلی و تهاجمی دارند و همان گونه که دشمن با آگاهی و برنامه‌ریزی کامل در عرصه حضور دارد، جبهه مقاومت هم باید با تمام توان و با هوشیاری کامل به مقابله برخیزد.

❖ معلوم و مجهول

جملات مورد استفاده در تبیین گفتمان جنگ در ادبیات انقلاب اسلامی، جملاتی معلوم است. ایشان از ارجاعات مستقیم استفاده کرده و ابعاد مختلف عرصه جنگ و به خصوص جنگ نرم را روشن می‌کنند. بیان این جملات صریح و آشکار که شاکله گفتمان را می‌سازند در حضور عموم مردم و به صورت آشکار و بی پرده صورت می‌گیرد.

❖ جملات خبری، پرسشی، امری

ایشان در ترسیم وضع موجود و تبیین شرایط از جملات خبری بهره برده تا درک گفتمان موجود را برای گفته‌یابان تسهیل نمایند. در این میان در مواقع نیاز از جملات پرسشی و نیز از جملات امری و دستوری نیز بهره می‌برند. به عنوان مثال زمانی که خط سیر مشخص گردید و چشم انداز تبیین شد، جوانان را برای آمادگی در عرصه جنگ نرم بسیج می‌کنند؛ «شما افسران جوان جنگ نرم هستید و عرصه جنگ نرم، بصیرتی عمّارگونه و استقامتی مالک‌اشتروار می‌طلبد؛ با تمام وجود، خود را برای این عرصه آماده کنید» (پیام شفاهی به تشکّل‌های دانشجویی انقلابی - ۱۳۹۲/۱۱/۲۳).

❖ وجهیت

مفهوم وجهیت، مفهومی مهم برای ارزش‌های رابطه‌ای و بیانی در دستور است. اگر مسئله اقتدار یکی از مشارکین در رابطه با دیگران مطرح باشد، وجهیت رابطه‌ای است و اگر مسئله اقتدار گوینده یا نویسنده در رابطه با احتمال یا صدق بازنمایی واقعیت مطرح باشد، با وجهیت بیانی سر و کار داریم (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۱۹۳). در بیان امام خمینی چون قیام ملت برای خدا بوده از هیچ قدرتی ترسی ندارد؛ «از هیچ یک از این قدرت‌هایی که در عالم هستند و ارباب می‌کنند ملت ما را، ما نمی‌ترسیم.

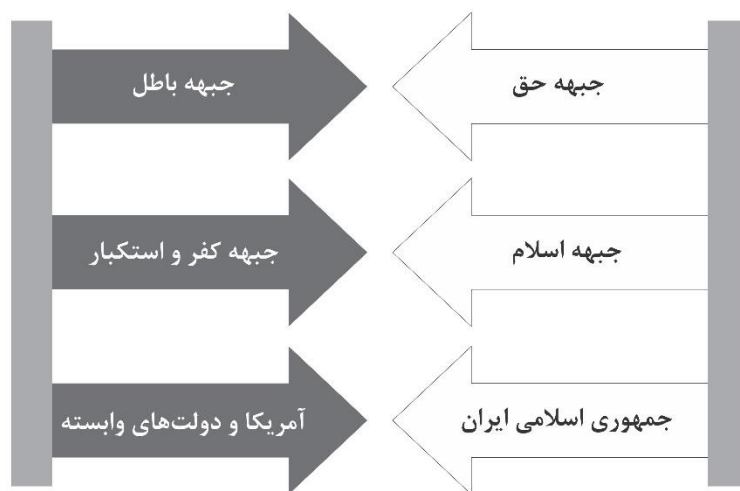
برای این که ما برای خدا قیام کرده‌یم. ملت ما برای خدا قیام کرده است و ملتی که برای خدا قیام کند از هیچ چیز نمی‌ترسد و آسیب نمی‌بیند» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۳: ۱۲۶). آن چه از بیانات آیت الله خامنه‌ای دریافت می‌شود این است که ایشان نظام جمهوری اسلامی ایران و جامعه دینی ایران را درگیر جنگ وسیع می‌دانند. ایشان جبهه مقابل را جبهه عظیم فرهنگی معرفی می‌کنند، اما در مناسبات قدرتی که تعریف می‌کنند، این جبهه‌گیری را ناشی از عظمت جمهوری اسلامی می‌دانند؛ این که می‌بیند جنجال علیه جمهوری اسلامی زیاد است، دلیل اقتدار ماست ... اگر جمهوری اسلامی چیزی نیست، چرا این قدر علیه آن صف‌آرایی می‌کنند؟ اگر اهمیتی ندارد، چرا برای مقابله با آن، این قدر خودکشان می‌کنند؟ این، دلیل اقتدار جمهوری اسلامی است» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام- ۱۳۸۴/۰۸/۰۸). از این رو یکی از دال‌های مرکزی گفتمان جنگ در ادبیات انقلاب اسلامی -هم جنگ نرم و هم جنگ سخت- اقتدار است. جبهه دشمن تمام تلاش خود را سامان می‌دهد تا بتواند بر کنش‌ها و توانش‌های مخاطب تأثیر بگذارد. این امر هر چند در ظاهر از وجهیت رابطه‌ای خبر می‌دهد، اما با تحلیل و تبیینی که آیت الله خامنه‌ای از شرایط و وضعیت موجود ارائه می‌دهند، موضع اقتدار جمهوری اسلامی مطرح است که وجهیت بیانی را می‌رساند. از نظر تولید کننده گفتمان، جمهوری اسلامی ایران در موضع حق است و «امروز جبهه حق از لحاظ زیرساخت‌ها، از لحاظ امکانات قوی شده. امروز چالش دشمن با جبهه حق آسان نیست، کار دشواری است» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری- ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

گفتمان جنگ در سطح تفسیر

سطح بعدی در تحلیل گفتمان انتقادی، «تفسیر» است. فرکلاف این سطح را مرکب از محتویات متن به همراه ذهنیت مفسر می‌داند که منظور همان پیش فرض‌ها، پیش فهم‌ها و دانش زمینه‌ای است که مفسر در برخورد با متن و برای دریافت معنای متن، از آنها بهره می‌گیرد (فرکلاف، ۱۳۷۹، ۲۱۵). از جمله پیش فرض‌هایی که در درک گفتمان جنگ و به خصوص جنگ ترکیبی در بیان آیت الله خامنه‌ای مؤثر می‌افتد، جایگاه جمهوری اسلامی ایران است. ایشان جمهوری اسلامی ایران را «یک الگوی موفق و یک نمونه سرافراز از قدرت و حاکمیت سیاسی اسلام» (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام- ۱۴۰۱/۰۴/۱۷) می‌داند. عده‌ای این الگوی موفق را بر نمی‌تابند و با آن به مقابله بر می‌خیزند.

این الگو و این نمونه حاکمیتی بر اصولی شکل گرفته که «از اصول انقلاب در درجه‌ی اول این است که حکومت با هندسه دینی تنظیم بشود و حرکت کند و پیش برود و اقدام کند؛ این جزو بیانات انقلاب بود» (بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم- ۱۴۰۰/۱۰/۱۹). همچنین ایشان اصول اساسی انقلاب را «عدم تسلیم در برابر دشمن مستکبر، استقلال کشور و مبارزه با فساد» (بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم- ۱۴۰۰/۱۰/۱۹) و نیز «حاکمیت اسلام در قانونگذاری و اجرا، تکیه بر آراء مردمی در مهم‌ترین مسائل مدیریتی کشور، استقلال سیاسی کامل و عدم رکون به قدرت‌های ستمگر» (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام- ۱۴۰۱/۰۴/۱۷) می‌داند. همین اصول است که می‌تواند محلّ اجماع ملت‌ها و دولت‌های مسلمان قرار گیرد در مقابل قدرت‌های استکباری برای از بین بردن چنین اجماعی تمام تلاش خود را انجام می‌دهند. به گونه‌ای که یکی از اهداف جنگ نرم دشمن را حساسیت زدایی نسبت به این اصول می‌داند (بیانات در ارتباط تصویری با مردم قم- ۱۴۰۰/۱۰/۱۹). از این رو فهم جایگاه انقلاب اسلامی در منظومه قدرت و مناسبات جهانی آن و تحولاتی که با وقوع انقلاب اسلامی در سطح مناسبات بین المللی رخ داد، خوانش گفتمان جنگ را تسهیل می‌کند. این نوع نگاه هستی‌شناسانه به انقلاب اسلامی زمینه را برای ورود سایر عناصر گفتمانی به گستره گفتمان جنگ فراهم می‌نماید. از این طریق می‌توان دال‌های مرکزی گفتمان را شناسایی نمود. با توجه به آن چه در سطح توصیف حاصل شد، از جمله دال‌های مرکزی گفتمان در فهم گفتمان جنگ در ادبیات انقلاب اسلامی، «غیربیت‌سازی» است. از این رو سطح ابتدایی فهم گفتمان جنگ و درک شرایط موجود، منوط به دشمن‌شناسی است. ایشان به دفعات به جبهه بندی دو گروه و دو طیف اشاره کرده و از جبهه دشمن در مقابل جبهه خودی یاد می‌کند. «این آرایش تهاجمی که علیه انقلاب شکل گرفته است، بسیار خطرناک است. به دلیل بیداری و هشیاری جهان اسلام، تهاجم فرهنگی دشمن نیز با گذشته تفاوت دارد و شکل جدیدی یافته است» (دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی- ۱۳۷۰/۰۹/۲۰). این صورت جدید از تهاجم فرهنگی و جنگ فرهنگی در عرصه رسانه و فرهنگ صورت می‌پذیرد و «عرصه رسانه و فرهنگ، آوردگاه حق و باطل است و عرصه جنگ فرهنگی با کسانی است که فرهنگشان ایجاد فساد در دنیا است» (بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم- ۱۴۰۰/۰۶/۰۶). استفاده از رسانه از همان آغاز انقلاب اسلامی به

عنوان ابزاری برای کارشکنی و اعمال خواسته‌های مورد نظر توسط جبهه مقابل به کار گرفته می‌شده است تا جایی که بخشی از وصیت امام خمینی به وزارت ارشاد توجه به همین نکته است؛ «وصیت اینجانب به وزارت ارشاد در همه اعصار خصوصاً عصر حاضر که ویژگی خاصی دارد، آن است که برای تبلیغ حق مقابل باطل و ارائه چهره حقیقی جمهوری اسلامی کوشش کنند. ما اکنون، در این زمان که دست ابرقدرت‌ها را از کشور خود کوتاه کردیم، مورد تهاجم تبلیغاتی تمام رسانه‌های گروهی وابسته به قدرت‌های بزرگ هستیم. چه دروغ‌ها و تهمت‌ها که گویندگان و نویسندگان وابسته به ابرقدرت‌ها به این جمهوری اسلامی نوپا نزده و نمی‌زنند.» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۲۸).



نمودار ۴- دوگانه‌سازی‌ها در گفتمان جنگ در ادبیات انقلاب اسلامی.

به واسطه این دو گانه‌سازی‌ها و جبهه‌بندی‌ها، نظام ارزشی تازه‌ای در سطح روابط و مناسبات قدرت به وجود می‌آید. صف آرایی و رویارویی دو جبهه از سطح دو کشور و دو نظام حکومتی به سطح کلان حق و باطل نیل می‌کند. با جبهه‌بندی روشن، کنش‌ها و توانش‌های مخاطبان گفتمان را نیز سامان دهی کرده و آنها که خود را در گروه حق جای می‌دهند باید به دور از انفعال و انکار، به یاری جبهه حق شتافته و در این رویارویی آمادگی هر نوع مبارزه و مجاهدت را داشته باشند. مردم باید

آمادگی مقابله در صورت‌های گوناگون تهاجم را کسب نمایند؛ «مردم ما، که در طول سال‌های جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده اند، باید خطر تهاجم جهانخواران در شیوه‌ها و شکل‌های مختلف را جدی‌تر بدانند» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۹۴). این تهاجم و این رویارویی بیش از آن که در سطح مناسبات قدرت سخت تعریف شود، از طریق قدرت نرم پیش می‌رود. همیت این موضوع در بیان آیت الله خامنه‌ای نیز آمده است؛ «امروز آن چیزی که راه‌گشا است و تأثیرگذار است قدرت نرم است؛ قدرت سخت، تیر و تفنگ و مانند اینها، امروز در درجه بعدی قرار گرفته. قدرت نرم، تأثیرگذاری بر دل‌ها و ذهن‌ها و روحیه‌ها، این مهم است» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور- ۱۴۰۱/۰۵/۰۵). آن چه در این جنگ اهمیت دارد، مرزبندی با دشمن است. برای مصونیت از تهاجم دشمن نیاز به مرزبندی داریم (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری- ۱۳۹۷/۱۲/۲۳). از این رو برجسته‌سازی دشمن و مرزی که باید میان دو گروه و جبهه درگیر جنگ وجود داشته باشد، از عناصر اصلی گفتمانی آیت الله خامنه‌ای است.

نکته دیگری که در تبیین گفتمان جنگ اهمیت دارد، تصحیح برخی از مفاهیم است. ایشان جهت تصحیح گفتمان جهاد و دفاع به برداشت نادرست عده‌ای از نویسندگان و دانشمندان مسلمان اشاره می‌کنند. به عقیده ایشان، این گروه از جریان‌ی که اسلام را دین خشونت و شمشیر معرفی می‌کنند و در مقابل دین مسیحیت را دین صلح و سازش مطلق و مهربانی تأثیر پذیرفته‌اند و برای تیرئه اسلام از خشونت ستیزی، مطرح می‌کنند که «جهاد ما، دفاع است». از نظر آیت الله خامنه‌ای این موضوع حربه‌ای است برای خانه نشین کردن کسانی که اهل جهادند و عزتمندند. در حالی که مدعیان صلح خود به ریختن خون مسلمانان دست می‌زنند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه- ۱۳۷۲/۱۲/۱۳). از این رو ایشان تلاش دارد تا در مقام تعریف مفاهیم، تعریف صحیحی از مقوله، جهاد و مبارزه ارائه دهد تا با سایر مفاهیم خلط نشود. چرا که تعریف ناصحیح و ناقص از یک مفهوم، می‌تواند در سطح معرفت‌شناسانه تغییر ایجاد کرده و باورهای ایدئولوژیکی را تحت تأثیر قرار دهد.

گفتمان جنگ در سطح تبیین

سطح نهایی تحلیل گفتمان انتقادی، «تبیین» است. در این مرحله با توجه به نتایج سطوح قبلی، گفتمان به عنوان کنش اجتماعی در نظر گرفته می‌شود تا مشخص شود که ساختارهای اجتماعی چگونه به

گفتمان تعین می‌بخشند. از سوی دیگر نتایج بررسی در سطح تبیین مشخص می‌کند که گفتمان تولید شده چه تأثیری در ساختارها و نهادهای اجتماعی که متن در بستر آنها شکل گرفته است، می‌گذارد؛ تأثیراتی از قبیل حفظ یا تغییر ساختارهای موجود (Fairclough, 2001, 163). وقوع انقلاب اسلامی به باز تعریف ساختارهای مفهومی و ارزشی تازه‌ای منجر شد و برخی از حوزه‌های معنایی در گردش در مناسبات جهانی قدرت را تغییر داد. رویکرد انتقادی تلاش دارد تا نقش تأثیرات گفتمانی در مناسبات قدرت در جامعه را آشکار نماید تا با عنایت به نتیجه تحلیل گفتمان انتقادی شرایط ایجاد تغییر فراهم گردد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹، ۱۱۵). محوریت نظام ارزش تازه‌ای که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران رقم خورد، تشکیل حکومت دینی و اسلامی است. از این رو گفتمان دینی در سطح مناسبات حکومتی و نوع اداره جامعه مطرح می‌شود تا کارآمدی دین در عرصه حکومت را نشان دهد و این امر سبب بروز تحولات بنیادین در سطح مناسبات جهانی شد. از جمله تحولات بین‌المللی‌ای که با وقوع انقلاب اسلامی رخ داد، به وجود آمدن یک رقیب ایدئولوژیک در سطح مناسبات جهانی قدرت بود. با به وجود آمدن چنین شرایطی نظام‌های سیاسی-اجتماعی و ساختارهای قدرت باز تعریف شده و صورتی جدید می‌یابند. قدرت‌های موجود که گفتمان تازه را بر نمی‌تابند برای حفظ وضع موجود و تثبیت قدرت، به مقابله با آن برخاسته و در این مسیر صورت‌های گوناگون اعمال قدرت را می‌آزمایند. وقوع جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ایران، دامن زدن به برخی از اغتشاشات و تحریم‌های مستمر، خود نمونه‌هایی از قدرت سخت و نیمه سخت به شمار می‌آید که در قالب جنگ سخت و نیمه سخت علیه ایران صورت گرفت. در ادامه با توجه به این که جبهه دشمن به نتیجه مورد نظر خود دست نیافت، به شیوه‌های دیگری دست زد. نظام‌های ارزشی تازه‌ای که ذیل گفتمان دینی به وجود آمده بود، نوع اعمال قدرت جوامع را تغییر داد. اگر پیش از این جنگ سخت و نظامی موضوعیت داشت، با برافراشته شدن پرچم جدید حکومت دینی که قدرت را نه در شرق و نه در غرب بلکه در ایمان الهی ملت جست و جو می‌کرد، صورتی جدید به خود گرفت. «جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ عمومی مردم و نیز حمله به ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی و باورها و اعتقادات ملت مسلمان ایران دو محور اساسی و مهم در تهاجم فرهنگی دشمن محسوب می‌شود» (بیانات در دیدار با دانشگاهیان استان آذربایجان شرقی،

۱۳۷۲/۰۵/۰۹). از این رو جنگ نرم و جنگ ترکیبی در نظام ارزشی و مفهومی‌ای که آیت الله خامنه‌ای عهده‌دار بیان آن هستند، جایگاه ویژه‌ای یافت. تغییر شیوه دشمن از جنگ سخت به جنگ نرم و نیز تهاجم همه جانبه و راه انداختن جنگ ترکیبی ناشی از اقتداری است که جریان اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. به بیان دیگر این حجم از دشمنی نشان دهنده این است که ما در موضع ضعف نیستیم، بلکه جامعه‌ای زنده، قوی و پویا هستیم که توان تغییر مناسبات قدرت و باز تولید نظام‌های ارزشی جدید را داریم. در واقع «مبارزه جبهه کفر و استکبار با جمهوری اسلامی برای این است که یک الگو به وجود نیاید» (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکّل‌های دانشجویی - ۱۳۹۹/۰۲/۲). برای این که این الگو نشر داده نشود و تسری نیابد، باید نمونه اصلی از بین برود و تغییر ماهیت پیدا کند. از این رو جنگ نرم از سوی دشمن با هدف استحاله از درون (بیانات رهبری در نماز جمعه تهران - ۱۳۸۲/۰۸/۲۳) صورت می‌گیرد و تا مرز تهی شدن انقلاب از روح انقلابی پیش می‌رود. در این شرایط «وقتی افکار عمومی یک ملت در اختیار بیگانه قرار گرفت، حرکت آن ملت هم طبعاً طبق میل آن بیگانه پیش خواهد رفت» (بیانات در مراسم تنفیذ حکم سیزدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران - ۱۴۰۰/۰۵/۱۲). نتیجه استحاله فکری و فرهنگی‌ای که در جنگ نرم اتفاق می‌افتد، بی‌ثبات‌سازی و تضعیف ساختارهاست؛ از ساختارهای حکومتی گرفته تا ساختارهای اعتقادی و ایمانی. چرا که هدف جنگ نرم حمله به ایمان و اعتقادات است؛ «به ایمان مردم ما حمله می‌کنند، به بصیرت مردم ما حمله می‌کنند، به تقوای ما حمله می‌کنند، به اخلاق ما حمله می‌کنند، و ویروس‌های گوناگون خطرناک معنوی را در میان ما پراکنده می‌کنند» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور - ۱۳۹۴/۱۰/۱۴). چرا که دشمن متوجه شده است که مرکز ثقل قدرت ملت ایران همان ایمان است. خصوصیات و ویژگی‌هایی چون جهاد و مبارزه و شهادت طلبی از ایمان مردم نشأت می‌گیرد و یک ملت ضعیف را به یک ملت قوی تبدیل می‌کند؛ «یک ملت ضعیفی که هیچ نداشت، در مقابل ابرقدرت‌ها و در مقابل این قدرت شیطانی، که همه چیز داشتند و تا دندان مسلح بودند [غالب شدند]، به قوه ملیت نمی‌تواند غلبه کند؛ ملتی که غلبه کرد برای اینکه شهادت آرزوی او بود. این قدرت ایمان است، این قدرت اسلام است. این اسلام است که غلبه کرد بر ابرقدرت‌ها؛ این اسلام است که فرزندان آن به شهادت راغب هستند؛ این قوه ایمان است که مردم

را سرتاسر ایران بسیج کرد. این دست غیبی الهی بود که مردم ایران را - سرتاسر - از بجهٔ دبستانی تا پیرمرد بیمارستانی، با هم هم صدا و با هم هم مقصد کرد. قدرت ایمان، قوهٔ اسلام، قدرت معنوی ملت، این پیروزی را به ما ارزانی داشت» (خمینی، ۱۳۸۵، ج: ۶: ۳۶۰).

در برابر این حملات ما موظف به دفاع کردن و استقامت کردن هستیم. برای مقابله با حمله‌ای که در سطح باورها و اعتقادات رخ می‌دهد باید به درستی تجهیز شد؛ «امروز نیاز مهم کشور ما این است که جوان‌های ما مجهز بشوند به انواع تسلیحات نرم، سلاح‌های جنگ نرم؛ یعنی قدرت روحی و قدرت فکری. یکی از اجزا و بخش‌های مهم و تعیین‌کننده تقویت کشور همین است که ما جوان‌هایمان را مجهز کنیم، مسلح کنیم به سلاح فکر و سلاح تفکر صحیح که در معارف اهل بیت علیهم السلام موج می‌زند» (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام - ۱۳۹۷/۱۱/۲۶). از رو در گفتمان جنگ از منظر آیت الله خامنه‌ای سطح منازعه و درگیری، از سطح منازعات سخت و نیمه سخت بالاتر رفته و در حد جنگ نرم بروز می‌یابد. جنگ نرمی که دشمن در آن در پی فتح سنگرهای ایدئولوژیک است. پس مناسبات قدرت در چنین شرایطی، بیش از آن که به تجهیزات نظامی و سخت افزارهای تکنولوژیک نظامی وابسته باشد، به قدرت اغوا و ارشاد در سطح جنگ نرم و جنگ ترکیبی وابسته است. در این گفتمان قدرت با مرجعی است که بتواند، قلب‌ها و افکار را با خود همراه کند و اراده‌ها را تحت سیطره خود در آورد، آن هم از طریق شیوه‌های غیر مستقیم. شیوه‌های تهاجمی دشمن در جنگ نرم را از منظر آیت الله خامنه‌ای را می‌توان در جدول زیر مشاهده نمود.

جدول ۲- شیوه‌های تهاجمی دشمن در جنگ نرم.

ردیف	شیوه‌های تهاجمی دشمن
۱.	نفوذ
۲.	دروغ
۳.	شایعه‌پراکنی
۴.	بدبین کردن مردم نسبت به یکدیگر
۵.	دامن زدن به اختلافات در جامعه
۶.	ایجاد تردید در مردم

۷.	حساسیت زدایی نسبت به اصول اساسی انقلاب اسلامی
۸.	قطع کردن زنجیره توأسی به حق و توأسی به صبر
۹.	وارونه جلوه دادن حقایق
۱۰.	از بین بردن روحیه امیدوارانه در جامعه

دشمن این امور را با بهره‌گیری از ابزارهای فرهنگی و ابزارهای پیشرفته ارتباطی (بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور- ۱۳۸۷/۰۹/۰۴) صورت می‌دهد. پس در شرایطی که نوع مواجهه از مواجهه نظامی خطرناک‌تر است باید در برابر این تهاجمات، ایستادگی کنیم و منفعل نباشیم. بخشی از این منفعل نبودن، بهره بردن از تبلیغ برای مواجهه با دشمن است. «در شرایط جنگ نرم تبلیغ یعنی مواجهه با دشمن؛ تبلیغ درست، یعنی سینه به سینه شدن با دشمن حقیقت، با ظلم و با ظلمات؛ این، معنای تبلیغ است؛ این، حقیقت تبلیغ است» (بیانات در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی- ۱۳۹۶/۰۶/۰۶). از جمله مصادیق ظرفیت‌های رسانه‌ای و تبلیغی هم می‌توان به «نماز جمعه» اشاره کرد. «در سلسله قدرت نرم نظام اسلامی، نماز جمعه یک حلقه بسیار مهم است» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور- ۱۴۰۱/۰۵/۰۵). «نماز جمعه یک قرارگاه است؛ قرارگاه ایمان، قرارگاه تقوا، قرارگاه بصیرت، قرارگاه اخلاق» (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور- ۱۳۹۴/۱۰/۱۴). به این معنا برای مقابله و حراست از آن اهدافی که در جنگ نرم توسط دشمن مورد هجوم قرار می‌گیرد یعنی ایمان، تقوا، بصیرت، اخلاق و معنویت (بیانات در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور- ۱۳۹۴/۱۰/۱۴) باید قرارگاهی وجود داشته باشد تا حرکات دفاعی را سامان دهد. از این رو شیوه مقابله در جنگ نرم نیز، روش نرم است. با این تفاوت که در جبهه باطل، حملاتی برای اغوا و افساد صورت می‌گیرد، اما در جبهه حق، تبلیغ صحیح برای ارشاد و اصلاح انجام می‌شود. در جدول زیر می‌توان راهکارهای مقابله در جنگ نرم که در بیانات آیت الله خامنه‌ای آمده است را مشاهده نمود.

جدول ۳- راهکارهای مقابله در جنگ نرم.

ردیف	راهکارهای مقابله در جنگ نرم
۱.	ایجاد سنگرهای فرهنگی
۲.	بهره‌گیری از توان تمام افراد مستعد
۳.	احیاء انقلاب در ذهن‌ها
۴.	حفظ و حراست از تفکر انقلابی
۵.	جهت‌گیری انقلابی در عمل، در بیان، در رفتار، در تصمیم‌گیری‌ها و در مقررات و قوانین
۶.	تبلیغ درست
۷.	مجهاز کردن جوانان به سلاح تفکر صحیح برآمده از معارف اهل بیت علیهم السلام
۸.	توصیه به ایستادگی، تبلی نکردن و خسته نشدن
۹.	بهره‌مندی از شناخت و آگاهی کامل

دشمن با تبلیغات سیاه و پر دامنه خود در پی رواج بی تفاوتی، کاهش سرمایه اجتماعی، واگرایی ملی، گرایش به ابتدال و فساد اخلاقی، ناکارآمد کردن ساختارها، کاهش انسجام اجتماعی و غیره است. امام خمینی از نقشه دشمن در دانشگاه‌ها پرده بر می‌دارد؛ «در دانشگاه نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش‌های خودی منحرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولتمردان را از بین اینان انتخاب و بر سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آنها هرچه می‌خواهند انجام دهند. اینان کشور را به غارت‌زدگی و غرب‌زدگی بکشانند و قشر روحانی با انزوا و منفوریت و شکست‌قادر بر جلوگیری نباشد. و این بهترین راه است برای عقب‌نگهداشتن و غارت کردن کشورهای تحت سلطه، زیرا برای ابرقدرتها بی‌زحمت و بی‌خرج و در جوامع ملی بی‌سر و صدا، هر چه هست به جیب آنان می‌ریزد» (خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲۱: ۴۱۸). وظیفه انسان انقلابی نیز مقاومت در برابر این حملات است. در این مسیر باید از هر گونه حرکت صحیح در زمینه فرهنگ حمایت شود و در مقابل حرکت‌های غلط ایستاد (بیانات در نخستین دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت سیزدهم - ۱۴۰۶/۰۷/۱۴). دشمن برای بر هم زدن اراده جمعی و کسب توفیق ایدئولوژیک، تلاش

می‌کند تا زنجیره توأسی به حق و توأسی به صبر را در جامعه قطع کند. اگر دشمن بتواند رشته توأسی به حق و صبر را در بین مؤمنان قطع کند «این موجب می‌شود که انسان‌ها احساس تنهایی کنند، احساس نومی‌دی کنند و اراده‌ها ضعیف بشود، امیدها کم‌رنگ بشود، جرئت اقدام از دست برود. وقتی توأسی نبود، این اتفاقات می‌افتد؛ و طبعاً وقتی این جور شد، امیدها کم شد و جرئت‌ها کم شد و اراده‌ها ضعیف شد، قهرماً هدف‌های عالی و متعالی به تدریج از دسترس دور می‌شود و کم‌رنگ می‌شود و دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد و به دست فراموشی سپرده می‌شود» (بیانات در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث- ۱۳۹۹/۱۲/۲۱). از این رو در جنگ ترکیبی که عمده آن از طریق جنگ نرم صورت می‌گیرد، دشمن تلاش می‌کند تا مشروعیت الگوهای رفتاری نظام سیاسی- اجتماعی را متزلزل کرده و با منهدم کردن سایر پایه‌های فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ابرستون عقیدتی و هستی‌شناسانه، جامعه هدف را نابود سازد. این امر را از طریق تضعیف و تغییر باورها و ارزش‌های پایه‌ای جامعه صورت می‌دهد تا روابط و مناسبات قدرت را تغییر دهد. در این شرایط حفظ روندهای سیاسی و اجتماعی و تداوم هویت فرهنگی باید در دستور کار تک‌تک افراد جامعه قرار بگیرد. از سطح جوانانی که افسران جوان این میدان هستند تا مسئولینی که در موقعیت‌های حساس قرار گرفته‌اند. دشمن تلاش می‌کند تا از طریق ایجاد شکاف، تردید افکنی، سیاه‌نمایی و تغییر الگوهای رفتاری، برجسته‌سازی کاستی‌های جامعه در حوزه‌های گوناگون، به تضعیف اراده‌ها و ایجاد افساد در قلب و فکر افراد جامعه دست یابد و در این راه تمام تلاش خود را مصروف می‌سازد. در برابر چنین دشمنی باید ایستادگی کرد. صف‌آرای جبهه حق و باطل در این میان باید با مرزبندی مشخص صورت گیرد.

سیر تطوّر تاریخی گفتمان جنگ در ادبیات انقلاب اسلامی

در سطح توصیف روشن گردید که مفاهیمی چون «تهاجم فرهنگی»، «شییخون فرهنگی» و «ناتوی فرهنگی»، «جنگ ترکیبی» و غیره برای بیان سطوح مختلف منازعه و نبرد استفاده شده و هر کدام در تکمیل شبکه معنایی گفتمان جنگ مؤثر هستند. ظهور این واژه‌ها و عبارات در ادبیات سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی، برخاسته از شرایط و وضع موجودی است که از سوی جبهه مقابل رقم

می خورد. بررسی سیر تاریخی این واژه‌ها نشان می‌دهد که چگونه با تغییر ساختارهای قدرت و دگرگونی سطوح منازعه، این ادبیات در گفتمان جنگ شکل می‌گیرد. در ابتدای شکل‌گیری انقلاب اسلامی ما با مقابله به شیوه سخت مواجه هستیم که نمود بارز و روشن آن جنگ تحمیلی هشت ساله و نیز اقدامات گروه‌ها و گروهک‌های داخلی است که با عملیات شبه نظامی و یا ترور به بی ثبات‌سازی شرایط اقدام می‌نمایند. در ادامه شیوه مقابله از جمگ سخت نظامی به تهاجم فرهنگی می‌انجامد؛ «امروز تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد. این تهاجم، وسیعتر از انقلاب و علیه اسلام است. چیز عجیب و فوق‌العاده‌یی است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی، علیه اسلام وارد کارزار شده است» (بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم - ۱۳۶۷/۰۹/۰۷). در ادامه با صورت‌های دیگری از مقابله و منازعه رو به رو هستیم که با تعبیر شیخون فرهنگی، غارت فرهنگی و قتل عام فرهنگی مشخص می‌شود؛ «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط - فرهنگ فساد و فحشا - سعی می‌کند جوان‌های ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی میکند، یک «تهاجم فرهنگی» بلکه باید گفت یک «شیخون فرهنگی» یک «غارت فرهنگی» و یک «قتل عام فرهنگی» است» (بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم - ۱۳۷۱/۰۴/۲۲).

شکل سازمان یافته‌تر و پر قدرت‌تر این مقابله به سمتی پیش می‌رود که از آن به «ناتوی فرهنگی» تعبیر می‌شود؛ «گزارشی از تشکیل «ناتوی فرهنگی» به دستم رسیده است. یعنی در مقابل پیمان ناتو که امریکایی‌ها در اروپا به عنوان مقابله با شوروی سابق یک مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند؛ اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه خاور میانه و آسیا و غیره از آن استفاده می‌کردند، حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده اند. این، بسیار چیز خطرناکی است» (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان - ۱۳۸۵/۰۸/۱۸). سپس گفتمان جنگ نرم به عنوان گفتمان غالب در ادبیات انقلاب اسلامی به دفعات مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته باید اذعان داشت که در این شرایط امکان وقوع جنگ سخت به صورت بالقوه وجود دارد اما شرایط موجود و تغییر ساختارهای قدرت امکان بالفعل شدن این امر را نمی‌دهد. در نهایت سطح منازعه به شیوه‌ای از جنگ به نام جنگ ترکیبی می‌انجامد؛ «امروز جنگ‌های دنیا جنگ‌های ترکیبی است. جنگ سخت و جنگ نرم و جنگ

فکری و جنگ فرهنگی و جنگ با سلاح‌های گوناگون و جنگ شناختی و امنال اینها با همدیگر مایه تهاجم به یک ملت یا یک کشور است. بازی‌های جنگ بایستی بتواند همه این لایه‌ها را با شیوه‌های نو، با شیوه‌های روزآمد، ان‌شاءالله تأمین کند» (بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری نیروهای مسلح - ۱۴۰۱/۰۷/۱۱).

جدول ۴- سیر تطور تاریخی گفتمان جنگ در ادبیات انقلاب اسلامی

مفهوم	زمان ظهور عبارت مورد نظر در ادبیات سیاسی و اجتماعی ایران
تهاجم فرهنگی	۱۳۶۸
شبیخون فرهنگی - غارت فرهنگی - قتل عام فرهنگی	۱۳۷۱
ناتوی فرهنگی	۱۳۸۵
جنگ نرم فرهنگی	دهه ۹۰ شمسی
جنگ ترکیبی	۱۴۰۱

نتیجه‌گیری

- در دایره گفتمانی انقلاب اسلامی می‌توان مفاهیم جنگ سخت و نظامی، جنگ نرم، جنگ ترکیبی، تهاجم فرهنگی و جهاد و مجاهدت را مشاهده نمود. مفاهیمی چون جنگ روانی، جنگ سیاسی، تبلیغات رسانه‌ای، جنگ ایمانی، جنگ اراده‌ها، جنگ معنوی، جنگ اعتقادی، جنگ امنیتی، تهاجم فرهنگی، نفوذ و غیره نیز با مفاهیم اصلی مذکور، شمول معنایی دارند و شبکه مفاهیم گفتمان جنگ را تکمیل می‌کنند.
- تحلیل گفتمان انتقادی با بررسی زبان‌شناسانه نشانه‌ها و دال‌های مرکزی گفتمان در تلاش است تا به مفهوم ایدئولوژیکی نزدیک شود که در پس گفتمان مورد نظر مطرح است. این

امر منجر به بازیابی و یا بازسازی روابط اجتماعی خواهد شد. از جمله دال‌های مرکزی گفتمان در ادبیات انقلاب اسلامی مفهوم «غیریت‌سازی» است. ایشان با برجسته‌سازی مفهوم دشمن به دیگرانی اشاره می‌کند که جبهه عظیم فرهنگی را برای مقابله با جمهوری اسلامی تشکیل داده‌اند. از نظر ایشان این جبهه بندی که در سطح معرفت‌شناسانه به دو گانه حق و باطل می‌انجامد، ناشی از اقتدار جمهوری اسلامی است. از این رو یکی دیگر از دال‌های گفتمانی در فهم گفتمان جنگ، مسئله اقتدار و موضع بر حق جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی که به وقوع پیوسته است. با این زاویه نگاه، دفاع، جهاد و مبارزه عناصر گفتمانی‌ای هستند که شاکله گفتمان جنگ را می‌سازند. مفاهیم بصیرت و مقاومت نیز در این شبکه گفتمانی دارای جایگاه هستند و بصیرت به نوعی قطب نمای جنگ نرم است.

- وقوع انقلاب اسلامی به باز تعریف ساختارهای مفهومی و ارزشی تازه‌ای منجر شد و برخی از حوزه‌های معنایی در گردش در مناسبات جهانی قدرت را تغییر داد. محوریت نظام ارزش تازه‌ای که با وقوع انقلاب اسلامی در ایران رقم خورد، تشکیل حکومت دینی و اسلامی است. این امر سبب بروز تحولات بنیادین در سطح مناسبات جهانی شد. از جمله تحولات بین‌المللی‌ای که با وقوع انقلاب اسلامی رخ داد، به وجود آمدن یک رقیب ایدئولوژیک در سطح مناسبات جهانی قدرت بود. با به وجود آمدن چنین شرایطی نظام‌های سیاسی-اجتماعی و ساختارهای قدرت باز تعریف شده و صورتی جدید می‌یابند. قدرت‌های موجود که گفتمان تازه را بر نمی‌تابند برای حفظ وضع موجود و تثبیت قدرت، به مقابله با آن برخاسته و در این مسیر صورت‌های گوناگون اعمال قدرت را می‌آزمایند.

- در سیر تطور تاریخی شیوه منازعه و مقابله در ساختار قدرت از جنگ سخت و نظامی به تهاجم فرهنگی، شیبخون فرهنگی، غارت فرهنگی، قتل عام فرهنگی، ناتوی فرهنگی، جنگ نرم فرهنگی می‌رسیم که در زمان حاضر با مجموعه‌ای از انواع روش‌های اعمال قدرت مواجه هستیم که در نهایت به شیوه جنگ ترکیبی می‌انجامد.

فهرست منابع:

- آقا گل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی فرهنگی، چاپ اول.
- پالمر، فرانک. (۱۳۹۱). *نگاهی تازه به معنی‌شناسی*، مترجم کورش صفوی، تهران: نشر مرکز.
- حسین شریفی، احمد. (۱۳۹۰). *جنگ نرم*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- رنجبران، داود. (۱۳۸۸). *جنگ نرم*، تهران: سلحش اندیشه.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۰). *در آمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: سوره مهر، چاپ چهارم.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۱). *آشنایی با معناشناسی*، تهران: پژوهاک کیوان، چاپ دوم.
- کوبلی، پاول. (۱۳۸۷). *نظریه‌های ارتباط*، مترجم: احسان شاه قاسمی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان*، گروه مترجمان. تهران: مرکز مطالعات رسانه.
- نائینی، علی محمد. (۱۳۹۱). *اصول و قواعد جنگ نرم*، تهران: ساقی.
- یار محمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.

Fairclough, Norman (2001). *Language and Power*, London: Longman, second edition.

Saeed, John (2013). *Semantics*, Wiley-Blackwell Publishers.

<https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1016>